اذعان به تعدد قرائت «ضنین» شاهدی بر قبول قرائات توسط زمخشری

حال آن چیزی که من میخواهم عرض کنم، این است:

دو جا از زمخشری را میگویم و در میشوم. شما ببینید صریح در خلاف این هست یا نه؟ذیل آیه شریفه «وَ ما هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ[1]» مطلبی دارند. در همین صفحه لینک این آیه هم هست؛ مباحث مفصلی راجع به این آیه شریفه هست. من عرض میکنم این کلمه «ضنین» در بحث ما چقدر کاربرد دارد، خدا میداند. حال برخی از مطالبش را عرض میکنم.

> وقرئ: بضنين، من الضنّوة البخل أى: لا يبخل باللوحي فيزوى بعضه غير مبلغه، أو يسأل تعليمه فلا يعلمه، وهو في مصحف عبد الله بالظاء، وفي مصحف أبىّ بالضاد. وكان رسول الله صلى الله عليه وسلم يقرأ بهما.
>
> وإتقان الفصل بين الضاد والظاء: واجب. ومعرفة مخرجيهما مما لا بد منه للقارئ، فإنّ أكثر العجم لا يفرّقون بين الحرفين، وإن فرقوا ففرقا غير صواب، وبينهما بون بعيد، فإن مخرج الضاد من أصل حافة اللسان وما يليها من الأضراس من يمين اللسان أو يساره، وكان عمر بن الخطاب رضى الله عنه أضبط يعمل بكلتا يديه، وكان يخرج الضاد من جانبي لسانه، وهي أحد الأحرف الشجرية أخت الجيم والشين، وأما الظاء فمخرجها من طرف اللسان وأصول الثنايا العليا، وهي أحد الأحرف الذولقية أخت الذال والثاء. ولو استوى الحرفان لما ثبتت في هذه الكلمة قراءتان اثنتان واختلاف بين جبلين من جبال العلم والقراءة، ولما اختلف المعنى والاشتقاق والتركيب[2]

«**وقرئ: بضنين، من الضنّوة البخل**». و همچنین به «ظ» خوانده شده که به‌معنای مظنون مورد اتهام است. سؤال؛ در مصاحف عثمانی که خیلی از آنها با هم اختلاف دارند، در هیچکدام از آنها با «ظاء» هست؟ ابدا! یعنی تمام مصاحف عثمانیه متفق هستند بر اینکه «بضنین» با «ضاد» نوشته شده. خب با اینکه با «ضاد» نوشته شده، در قراء سبعه ما کسی را داریم که به «ظنین» بخواند؟ بله، از هفت تا، سه نفرشان با «ظاء» خواندهاند و چهار نفرشان با «ضاد» خواندهاند. ببینید اتفاق مصاحف بر «ضاد» است اما در بین قراء سبعه کسانی هستند که با «ظاء» خواندهاند. این را داشته باشید.

حال زمخشری چه می‌گوید؟ می‌گوید «بضنین» که در مصحف با «ضاد» است، «**وهو في مصحف عبد الله بالظاء**»؛ می‌گوید همین آیه شریفه در مصحف ابن مسعود به «ظاء» است. بعد می‌گوید «وفي مصحف أبيّ بالضاد». در مصحف عثمان هم که اصل کتابش برای آن است. بعد می‌گوید: «**كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يقرأ بهما**»؛ حضرت هر دو را خواندند. خب این عبارت ایشان در اینجا چه می‌گوید؟ «**والقرائة الصحيحة إنّما هي واحدة و المصلّي لا تبرأ ذمّته من الصلاة**»، درحالی‌که در آن جا می‌گوید اگر به «ضنین» رسیدی حتماً باید هر دو را بخوانید ای دو نماز بخوانید؛ عبارت زمخشری در نقل حدائق به این صورت بود. اما در اینجا می‌گوید «قرأ بهما رسول الله». تصریح در این است که اینطور نیست که یکی از آن‌ها درست باشد.

جالب این است: می‌گوید واضح و آشکار است که «ضاد» و «ظاء» با هم مخلوط نمی‌شود. بعضی‌ها خواستند بگویند که نزدیک هم هستند. در نوشتن هم همینطور است. الآن در همین کتاب‌های برخی از اساتید هست، می‌گویند «ظاد» را طوری می‌نوشتند که دندانه آن نزدیک الف بوده.

ایشان بعد چه می‌گوید؟ می‌گوید: «**ولو استوى الحرفان لما ثبتت في هذه الكلمة قراءتان اثنتان واختلاف بين جبلين من جبال العلم والقراءة**»؛ یعنی قرائاتی که پشتوانه قرآن کریم است، شوخی نیست. کسی اشتباه کند و بگوید «ضاد» خواندم و تمام شد!

---

[1]التکویر ۲۴

[2]الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل (۴/ ۷۱۳)

بازبینی #3
ایجاد شده 25 آوریل 2024 08:20:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 ژوئن 2024 14:24:56 توسط ... .